



یادواره

## ایثار و شهادت در فرهنگ مردم ایران

(یادواره حاجی بخشی)<sup>۱</sup>

### اشاره

ایثار و شهادت در ایران دارای پیشینه‌ای بس کهن می‌باشد. با مروری بر تاریخ ایران می‌توان به جایگاه برتر و پشتوانه عمیق آن در ادوار مختلف و نیز تا به امروز پی برد. فرهنگ ایثار و شهادت چنان در آب و خاک این سرزمین ریشه دوانده است که هیچ دوره تاریخی تهی از آن نبوده است. نوشتار پیش رو ابتدا به ریشه این لغات اشاره کرد، سپس این فرهنگ را در دوره‌های مختلف پی گرفته است. همچنین روایت کوتاهی از رشادت و ایثارگری مرحوم حاج ذبیح‌الله بخشی نیز در انتها آمده است.

---

۱. یادواره توسط سویل ماکویی و دنیا عباسی کسبی تنظیم شده است.

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم

يرزقون (آل عمران ۱۶۹)

البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده اند بلکه زنده به حیات

ابدی شده‌اند و در نزد پروردگارشان منتعم خواهند بود

### مقدمه

ایثار و شهادت، به عنوان یک فرهنگ رشد یافته و مترقی، جزء برترین مفاهیم الهی و در نتیجه والاترین و بهترین ارزش‌هایی هستند که یک فرد متعهد و پایبند به ملاک‌های انسانی و اخلاقی می‌تواند به آن مقام دست یابد. این مفاهیم حرکت آفرین و تأثیرگذار در سطح یک جامعه توانایی آن را دارند تا والاترین و زیباترین صحنه‌های انسانی را خلق کند و برای همیشه در دل و روح تاریخ ثبت شوند. حقیقت مسئله آنست که اگر مفهوم ایثار، شهادت، رشادت‌ها، خدمات شهدا و ایثارگران در طول تاریخ این سرزمین به خوبی برای مردم معرفی و عرضه گردد و در قالب‌های کلیشه‌ای محدود نشود، می‌توان شاهد الگوپذیری صحیح جوانان در عصر حاضر بود. در واقع، تقویت باورهای مذهبی، ملی و تاریخی که امروزه جزء اصلی‌ترین و مهم‌ترین مسائل هویتی در هر جامعه‌ای به حساب می‌آیند می‌تواند در ردیف مهم‌ترین آرمان‌های هر جامعه‌ای در قرن حاضر ظهور کنند.

«فرهنگ ایثار و شهادت» بدان جهت دارای اهمیت است که به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، تاریخی و دینی علاوه بر این که در دوره معاصر بر ضرورت آن تأکید می‌گردد، که همواره در فرهنگ این سرزمین مورد توجه بوده است. فرهنگ ایثار و شهادت به مثابه سایر فرهنگ‌ها در طول تاریخ تغییر و تحول یافته است. اما روح کلی آن همچنان در فرهنگ این سرزمین ریشه دوانیده است.

### مفهوم ایثار و شهادت

در فرهنگ عمید مفهوم ایثار، این گونه بیان شده است: بذل کردن؛ دیگری را بر خود برتری دادن و سود او را بر سود خود مقدم داشتن؛ قوت لازم و مایحتاج خود را بر دیگری

بخشیدن (عمید، ۱۳۸۹: ۱۹۱) در لغت نامه دهخدا ایثار به مفهوم برگزیدن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن و منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن معنی شده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۶۸۲)

همچنین در خصوص مفهوم شهید و شهادت در فرهنگ عمید این گونه آمده است: آنکه چیزی از علم وی پنهان و پوشیده نیست؛ یکی از نام‌های خداوند؛ شاهد، گواه، امین در گواهی دادن و نیز کشته شده در راه خدا، شهداء جمع. (عمید، پیشین: ۷۱۵)

شهادت نیز به معنای گواهی دادن، بیان کردن آنچه که به چشم دیده شده در نزد حاکم و قاضی. گواهی دادن به یگانگی خدا آمده است. کلمه شهادت همان اشهد ان لا اله الا الله است و شهادتین، تشبیه شهادت، اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیغمبر اسلام است. عالم شهادت نیز همان عالم ظاهر و آشکار، عالم اجسام، مقابل عالم غیب و نیز شهادت، شهید شدن و کشته شدن در راه خدا است. (همان: ۷۱۳)

### جایگاه فرهنگ ایثار و شهادت در اسلام

برای رسیدن و دست یافتن به نقطه ایثار و شهادت باید از مراحل و آزمون‌های بسیار گذشت. این فرهنگ و سیره لیاقتی است که نصیب بندگان خاص خدا می‌شود. از شاخصه‌های مهم فرهنگ ایثار و شهادت تربیت انسان‌هایی، خدامحور، خداطلب و خداترس است که آنانند که موتور فعال و محرک خستگی ناپذیر جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهند.

از منظر فرهنگ اسلامی، شهادت در راه خدا از قداست و اهمیت والایی برخوردار است و اولیای خدا و برگزیدگان همواره در طلب آن بوده‌اند. (فکرت، ۱۳۷۹: ۶۰) این امر آنقدر ارزشمند است که می‌تواند برای شهید به عنوان متعالی‌ترین هدف تلقی شود. (جمالی، ۱۳۸۱: ۱) به لحاظ مصداقی نیز از همان دوران نزول قرآن نیز بر اهمیت آن اشاره شده است، به طوریکه واژه «شهادت» و مشتقات آن ۱۵۰ بار در قرآن کریم آمده است. با توجه به اینکه فضیلت‌های بی‌شماری را می‌توان برای شهادت و ایثارگری برشمرد در اینجا فقط فهرست‌وار به تعدادی از این امتیازات اشاره می‌گردد:

۱. وعده بهشت بر طبق آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام
۲. کسب بالاترین نیکی
۳. تقرب در جوار الهی
۴. راحتی و آسودگی روح شهید
۵. استقبال بهشتیان از آنان
۶. احترام انبیاء علیهم السلام نسبت به آنان
۷. شفاعت اطرافیان
۸. شریف‌ترین مرگ در راه خدا
۹. خداوند مسئول بازماندگان اوست
۱۰. آمرزش گناهان
۱۱. تماس با فرشتگان هنگام شهادت
۱۲. پوشیدگی بدن او با لباس‌های بهشتی
۱۳. آسانی مرگ
۱۴. معامله با خداوند (گوهری، ۱۳۶۱: ۱۷۱-۱۶۷)

اصحاب ایثار و شهادت، بسیار فراتر از مرزهای مادی و زمینی به درد و رنج انسان‌ها می‌اندیشند و در غم آنان خود را شریک می‌دانند. آنان به تکلیف خویش در برابر بشریت بیشتر از حقوق خود می‌اندیشند، همواره به کمترین بهره‌ها از مواهب حلال مادی و زمینی برای خود و خانواده خویش راضی گشته و در نتیجه وضعیت معیشتی خود را در سطح پایین‌ترین افراد جامعه قرار می‌دهند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء/ ۹۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که در راه خدا گام می‌زنید (و به سفری برای جهاد می‌روید) تحقیق کنید و به خاطر اینکه سرمایه ناپایدار دنیا (و غنایمی) به دست

آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند نگوید: «مسلمان نیستی!» زیرا غنیمت‌های فراوانی (برای شما) نزد خداست. شما قبلاً چنین بودید و خداوند بر شما منت نهاد (و هدایت شدید). پس (به شکرانه این نعمت بزرگ) تحقیق کنید. خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

آیه فوق به خوبی این حقیقت را روشن می‌سازد که هیچ مسلمانی نباید برای هدف مادی گام در میدان جهاد بگذارد و به همین دلیل، باید نخستین اظهار ایمان را از طرف دشمن بپذیرد و به ندای صلح و اسلام او پاسخ گوید؛ اگر چه از غنایم مادی فراوان محروم گردد، زیرا هدف از جهاد اسلامی توسعه‌طلبی و جمع‌آوری غنایم نیست، بلکه هدف آزاد شدن انسان‌ها از قید بندگی خداوندان زر و زور است و هر زمان که روزنه امیدی به سوی این حقیقت گشوده شد، باید به سوی آن شتافت.

اسلام برای دستیابی به غنیمت و غارت اموال مردم و کشورها به جنگ نمی‌پردازد و سربازان را به شدت از این کار باز می‌دارد. از نظر اسلام جنگی که به قصد طمع مادی و کسب غنایم و منافع دنیوی صورت پذیرد، مردود است.

### فرهنگ ایثار و شهادت در تاریخ و ادبیات ایران

نقش و جایگاه فرهنگ ایثار و شهادت در ایران در کهن‌ترین ادوار تاریخی این سرزمین دیده می‌شود. از دلاوران و پهلوانان دوره‌های گوناگون تاریخ کهن ایران گرفته تا سرداران و سربازان گمنام دوران دفاع مقدس، تا جایی که سرخ‌های ردیابی شده را باید در اسطوره‌ها و افسانه‌های کهن مشاهده کرد.

وقتی از ایثار و شهادت پهلوانان کهن ایران که با افسانه‌ها و رؤیاهای مردمان این سرزمین عجین شده است سخن به میان می‌آید، به طور حتم شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی جزء شاخص‌ترین منابع و جامع‌ترین اثری است که می‌شود آثار این دلاوران و رشادتشان را در آن یافت کرد.

از میان شاخص‌ترین شخصیت‌هایی که واجد و حامل فرهنگ ایثار و شهادت، در شاهنامه هستند نام سه پهلوان ایرانی به نام‌های آرش کمانگیر، کاوه آهنگر و می‌درخشد.

«آرش کمانگیر» با رها کردن تیر از کمان و جانفشانی، عشق به خداوند، ایمان و ایثار را بر تاریخ این کهن سرزمین ثبت کرد. کاوه آهنگر، با پیش‌بند چرمین آهنگری و درفشی بر نیزه با توکل به یاری پروردگار به جنگ ضحاک می‌رفت. داستان سیاوش نیز هیچ نیست جز جنگ میان زشتی و زیبایی، حسن و قبح، نیک و بد، خیر و شر و عقل و جهل. سیاوش دل به عشقی سودایی نسپرده که عاشق حضرت حق بود و دل در گرو حقیقت و راستی داشت. این همان عشقی است که آتش است، در سینه و دل عاشقان مشتعل می‌گردد و هرچه مادون الله است همه را می‌سوزاند و خاکستر می‌کند. شکی نیست که چنین عشقی را دوست می‌پسندد. چنان که برای حضرت ابراهیم علیه السلام پسندید و آنچه در منظر نمرودیان آتش بود، در باطن و حقیقت امر گلستان خلیل‌الله گشت. (علیلو، ۱۳۸۸: ۹)

داستان سیاوش اسطوره بومی این سرزمین است که پس از ورود مهاجر آریایی و در گذر زمان، ساختار کهن و قداست خود را از دست داده، ولی به دلیل ارتباطی که با زندگی عملی جامعه یافته است، هنوز در متن اجتماع ما زنده و جاری است. (شکیبی ممتاز، ۱۳۸۹: ۱۰۳)

بن‌مایه اصلی این داستان، همان مرگ و زندگی دوباره طبیعت بر روی زمین و شهادت و باززایی اوست. (همان) خون شهید در هر فرهنگی درخت دین را تغذیه و بارور می‌کند، از این رو مسأله مرگ شخصیت سیاوش چه در بعد اساطیری و چه در بعد حماسی؛ مسأله‌ای محوری و اساسی به نظر می‌رسد. زیرا با مرگ او اسطوره شهادت در بطن فرهنگ ایرانی شکل می‌گیرد و تا مدت‌ها ادامه می‌یابد. (همان: ۱۰۶)

### فرهنگ ایثار و شهادت در مکتب تشیع

فرهنگ ایثار و شهادت از عناصر اصلی مکتب تشیع است. این فرهنگ از هنگامی که امام خمینی (ره) قیام الهی خود را آغاز کرد، به تدریج در عرصه عمومی جامعه جلوه پیدا کرد و زمینه تحرک و پویایی را فراهم آورد (معصومی، ۱۳۸۴: ۷) و به تدریج این فرهنگ غنی شد و به مرحله‌ای رسید که عموم مردم را به حرکت درآورد و عموم مردم به فرمان امام خمینی (ره) به پا خواستند تا دگرگونی عظیمی در جامعه پدید آورند و راه تعالی و ترقی را در همه ابعاد مادی و معنوی هموار نمایند. نتیجه این قیام عمومی، پیروزی انقلاب

اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بود که به سقوط رژیم پهلوی و ظهور نظام جمهوری اسلامی منتهی شد و فصل بسیار حساس و با اهمیتی نه تنها در تاریخ ایران بلکه در تاریخ جهان اسلام و کل تاریخ جهان گشود. (معصومی، ۱۳۸۴: ۷)

فرهنگ ایثار و شهادت، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، پیوسته روند رو به رشد و رو به توسعه و تعمیق داشت و در سال‌های دفاع مقدس به اقتضای زمان به شکوفایی شگرف و حیرت‌انگیزی رسید. بعد از جنگ نیز این فرهنگ نه تنها در ایران به نوعی دیگر بالنده شد و اثرات بسیار مهمی پدید آورد، بلکه در عرصه جهان اسلام نیز جلوه‌هایی از آن نمودار شد که در تغییر فضای سیاسی جهان و پدید آمدن مفاهیم جهانی و جریان‌های جهانی تأثیر نهاد. (همان)

حضرت امام(ره) در خصوص روحیه شهادت طلبی و نه‌راسیدن از مرگ می‌فرمایند: روحیه شهادت طلبی و نه‌راسیدن از مرگ بی‌تردید از عوامل مهم پیروزی‌ها چه در صدر اسلام و چه در انقلاب ما بوده است. در فرهنگ الهی و اسلامی، نیستی معنا ندارد و مرگ شروع یک حیات ابدی است و شهدا در این بین علاوه بر بهره‌مندی از حیات طیبه، «عند ربهم یرزقونند» استشهاد نوعی جهاد اکبر است و گاه با جهاد اصغر در می‌آمیزد و این اوج آرزوی مومنان است. اما استشهاد منحصر در میدان جنگ و دفاع نیست و روحیه‌ای است که می‌تواند در تمام مراحل و شمایل زندگی جاری باشد. در نگاه استشهادی «هر خودخواهی و خودبینی مخالف خداخواهی است و با هجرت الی‌الله مبین است. اگر همین یک جهت عرفانی و معنوی برای انسان دست دهد، انسان در همه میدان‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و حتی نظامی پیروز است. برای چنین انسانی شکست مفهومی ندارد. روحیه استشهادی تفسیر «الهی رضی برضاک و تسلیما لامرک» شهید عاشورا است که در کلام بزرگ بانوی کربلا «ما رایت الا جمیلا» جلوه کرد. «ما باید کوشش کنیم که ذائقه مان را یک همچو ذائقه‌ای قرار بدهیم که برای ما هر چیز شیرین باشد. رضای به قضای خدا معنایش همین است. فرق نمی‌کند بین اینکه از او بلا برسد یا نعمت ملتی که زن و مردش عاشق شهادت هستند دیگر از اینکه فلان چیز کم است، فلان چیز زیاد است نمی‌نالد.»

یکی از یاران باوفای این انقلاب که پیام آن را به گوش جان شنید، «حاجی بخشی» بود. حاج ذبیح‌الله بخشی‌زاده در سال ۱۳۱۲ در توابع اراک متولد شد. در سن هفت سالگی پدرش توسط نیروهای متفقین کشته شد و او از آن پس مسئولیت خانواده‌اش را بر عهده گرفت. حاجی بخشی از سن ۴۷ سالگی به جبهه اعزام شده و تا پایان جنگ تحمیلی در جبهه‌ها حضور داشت. ایثار، فداکاری و گذشت از تمنیات دنیوی از ویژگی‌های این پیر جبهه‌های حق بود. حاج بخشی در دوران دفاع مقدس با سادگی تمام و با یک گونی شکلات و اقیانوسی از محبت و شور به خط جبهه قدم می‌گذاشت. ایشان مرتباً این جمله را تکرار می‌کردند که اینجا خانه خودمان است.

در «فرهنگ نامه جبهه» از ایشان این گونه یاد شده است: حاج علی بخشی؛ پیرمرد بسیجی تهرانی؛ کمتر رزمنده‌ای است که او را نشناسد، با آن لندکروز و بلندگوی بزرگش که مثل دل و جگر زلیخا بود و جای سالم و تیر و ترکش نخورده نداشت. حاجی به تنهایی یک سازمان تبلیغات سیار بود. هر کجا صدای حاجی می‌آمد و چرخ وسیله نقلیه‌اش به آنجا می‌رسید بوی اسفند و گلاب و حسین علیه السلام و کربلا و انقلاب و امام فضا را پر می‌کرد. یک ماشین پر از شیشه‌های عطر، پلاک و تصویر امام و برخی از مسئولان و یک ماشین بلکه یک ترابری الله اکبر داشت. حاجی حرکت می‌کرد و شعار می‌داد و بقیه دنبال او هروله می‌کردند و پاسخ می‌دادند: آرپی جی زن ماشاالله، تک تیرانداز، ماشاالله، رهبر ما، حزب الله، مجلس ما، حزب الله و از این نمونه تعابیر جان دار و سرشار از طراوت و زندگی (فهیمی، ۱۳۸۱: ۵۳۲)

حاجی بخشی را همه با شعار «ماشاءالله، حزب الله» و خودرو تویوتای پر از ترکش می‌شناسند، این گونه شعارها در رجزخوانی‌ها در طول ۸ سال دفاع مقدس باعث ایجاد روحیه در رزمندگان می‌شد برای نمونه می‌توان به شعارهای ذیل اشاره کرد:

- آرپی جی زن تانکو بزن، تقریباً لحن و آهنگ شعار «ماشاءالله - حزب الله»

حالات و حرکات: رزمندگان این شعار را با شور و شغف می‌خواندند خصوصاً پیربسیجی، حاجی بخشی، در حالی که سوار بر ماشین لندرور یا لندکروزی بود که چند



بلندگو روی سقف آن نصب کرده بود بر سر و روی بچه‌ها را گلاب می‌پاشید این شعار را سر می‌داد. آنها هم دنبال ماشین می‌دویدند و جواب می‌دادند.

- کی خسته ست دشمن، به سبک و سیاق شعار «ماشاالله - حزب الله» حالات و حرکات: در حالت دویدن یا راه رفتن این شعار را می‌دادند.

- کی میشه بینم گنبد طلا رو

- رزمندگان تا کربلا راهی نمانده

- بسیجیانیم و ز خود بی‌خبر

حالات و حرکات: این شعار حرکت بردار نبود و ایستاده و نشسته و هنگام راه رفتن خوانده می‌شد.

- یاران همه رفتند جا مانده‌ام من

- هر چه خدا خواست همان می‌شود

- من قهرمان کربلای این زمانم

- ماشاالله حزب الله

- ما پیروان راه علی مرتضاییم

- اسلام ما پیروز است (همان: ۴۴۳-۳۵۳)

در طول سه دهه پرفراز و نشیب انقلاب اسلامی، حاجی‌بخشی که به حق چه در زمان جنگ و حضورش در خط مقدم، گرمی‌بخش جبهه‌ها بود و همچنین از بعد از رحلت حضرت امام(ره) در تمامی صحنه‌ها، ما این حبیب ابن مظاهر انقلاب را می‌بینیم که حضور جدی دارد.



حاجی بخشی در حال خاموش کردن آتش ماشین در سه راهی شهادت، (۲۴ دی ماه ۶۵، عملیات کربلای ۵)

حاجی بخشی خود مجموعه و نمایشگاه کاملی از همه روزهای غمبار و روزهای خوش و با شکوه و پیروزمند، بیش از سه دهه انقلاب اسلامی است. شهادت فرزند و دامادش و مجروحیت مداوم او را در ادامه راه راسخ تر کرد. شهید آوینی درباره وی گفته است:

در آن سوی فاو، در مقر فرماندهی بعضی‌ها، به حاج بخشی بر خوردیم؛ چهره آشنای حزب الله تهران. هر کس سرزندگی و بذله‌گویی و آن چهره‌ی شاداب او را می‌دید باور نمی‌کرد که دو ساعت پیش فرزندش شهید شده باشد. اما حقیقت همین بود. هنگامی که ما به حاج بخشی بر خوردیم دو ساعتی بیش از شهادت فرزندش نمی‌گذشت. او حاضر نشده بود که به همراه پیکر فرزند شهیدش جبهه‌ی نبرد را، ولو برای چند روز، ترک گوید. ما آخرین بار که او را دیده بودیم در تهران بود، هنگامی که کاروان نخستین «راهیان کربلا» عازم جبهه نبرد بودند. هر جا که حزب الله تهران هست او نیز همان جاست و علمداری می‌کند.

حزب الله از متن امت خوب ما برخاسته‌اند و در دل مردم جای دارند. آنها یادآور وعده‌های قرآن و روایات هستند و تو گویی همه تاریخ منتظر قدوم آنها بوده است. به این چشمان اشک‌آلوده بنگرید؛ این اشک‌ها نشان می‌دهد که جراحات کربلا بعد از هزار و چند

صد سال هنوز بر دل‌های ما تازه است. خداوند حزب الله را برای خونخواهی حسین علیه السلام و باز کردن راه کربلا برانگیخته است.

در آخر کلام می‌توان گفت که تمامی رزمندگان شهید و ایثارگر دلاوری و کمان آرش را داشتند و سال‌ها در جبهه‌ها جنگیدند و هم درفش کاوه آهنگر را و هم مظلومیت خون سیاوش را که همگی متجلی کننده شهادت و ایثار از ازل تا به ابد هستند.



## منابع

### الف) کتاب

- جمالی، عیسی (۱۳۸۱) *سردار خوبان*، تهران: شاهد.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) *لغت نامه*، تهران: دانشگاه تهران
- عمید، حسن (۱۳۸۹) *فرهنگ فارسی جیبی*، تهران: راه رشد.
- فکرت، محمدآصف (۱۳۷۹) *دایره المعارف تشیع*، تهران: بنیاد شهید.
- فهیمی، سیدمهدی (۱۳۸۱) *فرهنگ نامه جبهه انقلاب اسلامی ایران در جنگ تحمیلی*، شوخ طبعی ها؛ شعارها و رجزها؛ منظومه ها، ج ۳، تهران: نشر پایداری.
- گوهری، سیداسماعیل (۱۳۶۱) *آرزو و شهادت*، تهران: امیری.
- مکارمشیرازی، ناصر (۱۳۸۴) *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

### ب) مقاله

- شکیبی ممتاز، نسرین (۱۳۸۹) «جایگاه سیاوش در اساطیر»، *مجله پژوهش های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان*، دوره جدید، ش ۱ (پیاپی ۵).
- معصومی، علی (۱۳۸۴) «میقات پابرهنگان؛ مروری بر دیدگاه های امام خمینی (ره) نسبت به بسیج»، *نشریه جمهوری اسلامی*.

### پ) تارنمای مجازی

- حاجی علیلو، حسین (۱۳۸۸) «کاوش معرفت شناسانه سیاوخش (بررسی عرفانی داستان سیاوش)» در: [http: namamatn.ir](http://namamatn.ir)